



## مناظره فرضی میان خداوند متعال و محمد بن عبدالوهاب

آنچه در اینجا می‌خوانید مناظره‌ای است فرضی میان خداوند متعال و محمد بن عبدالوهاب که سخنان خداوند از قرآن کریم اخذ و سخنان محمد بن عبدالوهاب از افکارش و افکار وهابیان امروز گرفته شده است...

### بسم الله الرحمن الرحيم

آنچه در اینجا می‌خوانید مناظره‌ای است فرضی میان خداوند متعال و محمد بن عبدالوهاب که سخنان خداوند از قرآن کریم اخذ و سخنان محمد بن عبدالوهاب از افکارش و افکار وهابیان امروز گرفته شده است.

- **خداوند متعال** : و إذ قلنا للملائكة اسجدوا لآدم فسجدوا الا ابليس ابى و استكبر و كان من الكافرين (بقره/34) ؛ هنگامی

که به ملائکه گفتیم برای آدم سجده کنید ، همه سجده کردند جز ابلیس که امتناع کرد و تکبر ورزید و از کافران بود.

- محمد بن عبدالوهاب : خدایا این شرک است که تو به ملائکه فرمان داده‌ای آدم را سجده کنند . چرا مردم را به سجده بر آدم وادار می‌کنی ؟

- **خداوند متعال** : و رفع ابویه علی العرش و خرّوا له سجداً و قال یا ابت هذا تأویل رویای من قبل قد جعلها ربی حقا (یوسف/100) ؛ یوسف پدر و مادرش را بر تخت نشانند و برادران یوسف پیش او به سجده افتادند . یوسف گفت : ای پدر! این تأویل خواب من است که پیش از این دیده بودم و خداوند آن را محقق ساخت.

- محمد بن عبدالوهاب : خدا یا چرا پیامبرت یعقوب و یوسف باید اجازه دهند که برادرانش پیش او سجده کنند . برادران یوسف مشرک شده‌اند و قتل‌شان واجب . یعقوب و یوسف باید آن‌ها را می‌کشتند.

- **خداوند متعال** : و إذ جعلنا البیت مثابة للناس و أمانة و اتخذوا من مقام ابراهیم مصلی (بقره/125) ؛ [به یاد بیاورید] هنگامی که ما کعبه را محل بازگشت مردم و محلی امن قرار دادیم. [برای تجدید خاطره] مقام ابراهیم را محل عبادت خود قرار دهید .

- محمد بن عبدالوهاب : خدایا چرا گفته‌ای مقام ابراهیم را محل عبادت خود قرار دهید . چرا مکان یک بشر را محل عبادت خود قرار می‌دهی ؟ این شرک است . هیچ بشری به هیچ وجهی نباید دخلی در عبادت تو پیدا کند. چرا یک بیابان نامربوط به بشر را محل عبادت خود قرار ندادی که مقام ابراهیم را محل عبادت خود قرار دادی ؟ این باعث می‌شود مردم یاد بگیرند و محل اولیای دیگری چون رسول خدا(ص) و علی(رض) و... را محل عبادت خود قرار دهند . این‌ها همه شرک است .

- **خداوند متعال** : فی بیوت اذن الله ان ترفع و یذکر فیها اسمہ یسبح له فیها بالغدو و الاصال(نور/36) ؛ خانه‌هایی که خداوند اذن داده که بالا برده شود و در آن‌ها اسم خداوند برده شود که برای او صبح و شب تسبیح بگویند .

- محمد بن عبدالوهاب : خدایا ! چرا تو اذن داده‌ای که خانه‌هایی محل عبادت قرار گیرند؟ در آن صورت مردم می‌آیند در قبر رسول الله (ص) نماز می‌گذارند که این خانه رسول خدا بوده است . چون رسول الله در تفسیر این آیه گفته این خانه‌ها برای پیامبر است و خانه‌های علی و فاطمه هم از افضل‌ترین این خانه‌ها است . مردم می‌آیند در این خانه‌ها عبادت می‌کنند و مشغول نماز می‌شوند . محل قبر علی و فاطمه را هم چون پیامبرت گفته که خانه‌های آن‌ها هم از خانه‌های مأذون است ، محل عبادت قرار می‌دهند. این‌ها همه شرک است .

- **خداوند متعال** : ما من شفیع الا من بعد اذنه ذالکم الله ربکم فاعبدوه افلا تذکرون(یونس/3)؛ هیچ شفاعت‌کننده‌ای وجود ندارد مگر پس از اذن خداوند . این خدای شماست آن را پرستش کنید . آیا به یاد نمی‌آورید؟ .

- **خداوند متعال** : و کم من ملک فی السماوات لاتغنی شفاعتہم شیئا الا من بعد أن یأذن الله لمن یشاء و یرضی (نجم/26) ؛ چه بسیارند فرشتگانی در آسمان که شفاعت‌شان هیچ سودی ندارد جز پس از آنکه خداوند اذن بدهد برای کسانی بخواهد و راضی گردد.

- **خداوند متعال** : و لا تنفع الشفاعة عنده الا لمن اذن له (سبا/23) ؛ شفاعت سودی ندارد جز برای کسی که اذن داده شده باشد .

- ابن عبدالوهاب : خدا چرا استثنا کرده‌ای که جز برای کسیکه اذن شفاعت داده شود . باید بگویی به هیچ وجه شفاعتی در کار نیست و هیچ کسی نمی‌تواند شفیع باشد . اینکه تو استثنا کرده‌ای سبب می‌شود برخی از

- پیامبر و اولیای بخواهند او را نزد تو شفاعت کنند . این شرک است که از غیر خدا شفاعت بخواهی .
- **خداوند متعال** : قالوا یا ایانا استغفر لنا ذنوبنا انا کنا خاطئین (یوسف /97) قال ساستغفر لکم ربی انه هو الغفور الرحیم (یوسف/98) ؛ برادران یوسف گفتند : ای پدر برای گناهان ما از خدا طلب بخشش کن. یعقوب گفت : بزودی برای شما طلب آمرزش می کنم از خدای خود که او بخشنده مهربان است.
- محمد بن عبدالوهاب : دیدی گفتم اگر اجازه بدهی مردم بلافاصله طلب شفاعت می کنند . این برادران یوسف پدر خود را شفیع قرار دادند و از تو طلب آمرزش کردند. این شرک است .
- **خداوند متعال** : یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و ابتغوا الیه الوسیله و جاهدوا فی سبیله لعلکم تفلحون(مائده /35) ؛ ای مومنان از خدا بترسید و بسوی او وسیله ای بجویید و در راه خدا کوشش کنید باشد که به رستگاری برسید.
- محمد بن عبدالوهاب : خدایا ! چرا امر کرده ای که مومنان به نزد تو وسیله بجویند. آنان باید مستقیماً نزد تو مراجعه کنند نه که نزد شفیع رفتی او را وسیله ای جهت تقرب به تو قرار دهند. این شرک است که مردم به غیر تو مراجعه کنند.
- **خداوند متعال** : اذهبوا بقمیصی هذا فألقوه علی وجه ابی یأت بصیرا وأتونی باهلکم اجمعین(یوسف/93) فلما أن جاء البشیر القاه علی وجهه فارتد بصیرا قال الم اقل لکم انی اعلم مالا تعلمون (یوسف/96) ؛ یوسف گفت : این پیراهن مرا ببرید و آن را بر صورت پدرم بیاندازید تا بینا شود و تمام اهل خود را بیاورید. وقتی قاصد رسید پیراهن را به صورت یعقوب انداخت و یعقوب بینا شد. و یعقوب گفت مگر من نگفتم من چیزی می دانم که شما نمی دانید.
- محمد بن عبدالوهاب : خدا یا ! چرا این آیه را آورده ای . پیراهن که هیچ تأثیری ندارد . اینکه پیراهنی بتواند چشم نابینا را بینا کند نادرست است و این باعث خواهد شد مردم به ضریح پیامبر و اولیای تو چشم بمالند و از پیامبر و اولیا شفاطلب کنند چون فکر می کنند وقتی پیراهن یوسف بتواند چشم یعقوب را بینا کند ، ضریح رسول خدا(ص) که افضل انبیاء است حتماً این کار را می تواند انجام دهد. درحالیکه درخواست شفا از غیر خدا شرک است و مشرک واجب القتل .
- **خداوند متعال** : و کذالک اعثرنا علیهم لیعلموا أن وعد الله حق و ان الساعه لا ریب فیها إذ یتنازعون بینهم أمرهم فقالوا ابنوا علیهم بنیانا ربهم اعلم بهم . قال الذین غلبوا علی امرهم لنتخذن علیهم مسجدا(کهف/21) ؛ و این چنین مردم را متوجه حال آن ها کردیم تا بدانند که وعده خداوند در مورد رستاخیز حق است. و در پایان جهان و قیام قیامت شکمی نیست . در آن هنگام که میان خود نزاع داشتند ؛ گروهی می گفتند: بنایی بر آنان بسازید(تا برای همیشه از نظر پنهان شوند و از آن ها سخن نگویند که ) پروردگارشان از وضع آن ها آگاه تر است . ولی آن ها که از راز شان آگاهی یافتند (و آن را دلیلی بر رستاخیز دیدند) گفتند : مامسجدي در کنار مدفن آن ها می سازیم (تا خاطره آنان فراموش نشود).
- محمد بن عبدالوهاب : خدا یا چرا این داستان را نقل کردی . وقتی هم نقل کرده بودی باید آن را شدیداً رد می کردی . چرا از کنار بنای مسجد بر قبر بدون هیچ انکار و ردی گذشتی در حالیکه در آیه بعدی که مردمان بعداً در مورد تعداد اصحاب کهف اختلاف خواهند کرد ، بدنبال نقل داستان فرموده ای : فلا تمار فیهم الا مراءاً ظاهراً ؛ بدون دلیل در مورد آن ها حرف نزنید. اینجا کار جدال کنندگان را تقبیح کرده ای اما آن جا کار بناکنندگان مسجد را تقبیح نکرده ای . در حالیکه بنای مسجد بر قبر ها شرک است .
- **خداوند متعال** : ان الذین آمنوا و عملوا الصالحات اولئک هم خیر البریه (بینه /7) ؛ کسانی که خدا و رسولش ایمان آورده و اعمال صالح انجام می دهند ، آن ها بهترین مخلوقاتند.
- محمد بن عبدالوهاب : خدا یا پیامبرت گفته : منظور از خیر البریه در این آیه علی و شیعیانش هستند . چرا تو این آیه را فرموده ای در حالیکه شیعیان کافر هستند و مشرک و آن ها واجب القتل هستند در حالیکه تو آن ها را بهترین مخلوقات دانسته ای .
- منبع: وبلاگ نسیم ایمان